



۲۰۲۱/۰۲/۲۰



عبدالقیوم میرزاده

## جدیت مبرم و استوار دستگاه دیپلوماسی کشور هم کلیدی از موفقیت است در راه تأمین صلح پایدار

کشور ما بیش از چهار دهه است که در آتش جنگ میسوزد و بلاها و آفت‌های گوناگون دامنگیرش است و همه روزه این آتش و آفت از مردم بیگناه قربانی میگیرد. وظیفه میهنی همه باشندگان این سرزمین است که برای قطع جنگ و رفع این همه بلاها و آفات دین مادر وطن را مجدانه ادا کنند. همچنانیکه قوت‌های مسلح کشور و ارگانهای تأمین امنیت و نظم و اداره وظیفه دارند گامهای مؤثر و هدفمند بردارند و کشور را از این مخمصه خانمانسوز نجات دهند، وظیفه دستگاه دیپلوماسی کشور که در وجود وزارت خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، نماینده گی‌های سیاسی دولت افغانستان در خارج از کشور و رسانه‌های صوتی و تصویری که بوسیله انترنت با جهان وصل است میباشد تا مسئولیت‌ها و وظایف‌شان را در پرتو قانون اساسی کشور و تحقق سیاست خارجی بر پایه منافع ملی استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، بیطرفی و رعایت منشور ملل متحد برای بررسی، برقراری، تأمین، حفظ و توسعه روابط سیاسی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی، نگرش همه‌جانبه و تحلیل دایم‌الفعال از وقایع بین‌المللی و اقدامات پویا و هدفمند بر طبق روال، اصول، قواعد ملی و بین‌المللی و عرف دیپلوماتیک و اصل همکاری‌های متقابل به منصفانه اجرا گزارند.

در شرایط کشور ما، بنابر ملحوظات حکومت‌های ضعیف و دست‌نشانده، فعالیت‌گروه‌های تروریستی، موجودیت عناصر بیگانه در رده‌های حکومتی و اداره دولت و نبود استقلال در سیاست خارجی کشور عده‌ای از کشورهای جهان منجمله پاکستان روابط‌اش را با کشور ما خارج از عرف دیپلوماتیک طوری دیگر تعریف کرده‌اند.

پاکستان در این چهار دهه اخیر روابط و مناسبات‌اش را با کشور ما بیشتر بوسیله فشارهای مسلحانه گروه‌هایی تروریستی چون مجاهدین، طالبان، داعش، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی که نیرو هایشان را از میان مهاجرین افغان در آن کشور و مردمان کناره‌های سرحد تأمین میکنند رویدست دارد که اهداف و ستراتیژی هایش در قبال کشور ما نیز بنا بر مؤثریت و کارایی گروه‌های تروریستی و درجه خود فروختگی عناصر مداخله که در دست دارد خاصاً اجزای رهبری این گروه‌ها تعیین و حالت نوسانی داشته است.

بعد از حمله آمریکا به افغانستان در ۲۰۰۱ بسیاری از تحلیلگران خاصاً شعب مسئول در وزارت خارجه افغانستان به این باور بودند که در موجودیت قوای آمریکا و ناتو در افغانستان نقش پاکستان در قبال مسایل افغانستان منفعل گردیده است. بناءً دستگاه دیپلوماسی کشور نتوانست توجه جامعه جهانی را به نقش پاکستان در تربیه و تجهیز تروریستان بین‌المللی معطوف گرداند و فشار بین‌المللی را بر پاکستان وارد آورد. در مقابل پاکستان در این مدت توانست در همکاری با مشاورین نظامی امریکایی و انگلیسی خویش گروه طالبان و در حوادث متأخر گروه داعش را منسجم، تعلیم و تربیه و مسلح ساخته و در سایه همکاری‌های استخباراتی با آمریکا و انگلیس به بهانه‌ای اهدافی علیه چین، جمهوریت‌های آسیای میانه و ایران این نیروهای تروریستی را بصورت مصئون به سرتاسر کشور ما خاصاً اهدافی که بالا نکر یافته، گسیل داشت. همچنان در ساحتی که افراد غیر مسئول، طالبان و نیروهای خارجی

مشغول استخراج معادن و کشت و پرورس تریاک اند، این ساحات و مسیر های ترانسپورتی آن به همکاری این نیرو هاعامدانه تحت سیطره طالبان درآورده شدند که روزانه هزاران تن سنگ ها، مواد معدنی استخراج شده و مواد مخدر از همین ساحات بارگیری و به پاکستان قاچاق میگردد.

به این ترتیب طالبان یعنی نیرو های نیابتی پاکستان قسماً بر سرنوشت بخشی از کشور حاکم ساخته شده و در زمان زمامداری ترمپ پاکستان توانست زلمی خلیزاد را با ذریع که در حیطة امکان داشت متعهدانه متقاعد سازد که پاکستان نقش مثبت و فعال در اجرای مانور های امریکا در جنوب آسیا با سوق و اداره منضبط طالبان ایفا کرده و همگام و همکار مطمئن برایشان خواهد بود، آنها با نیرکی تمام اداره ترمپ را متقاعد ساختند که حکومت افغانستان بنابر موجودیت فساد و چند دستگی نیرو های متخاصم در اداره دولت بی ثبات بوده که هرآن احتمال دارد این تخاصمات درونی در اداره دولت باعث فروپاشی آن گردد، و نمونه هایی از این تخاصمات و بی ثباتی را در فعالیت ها و مانور های ضد ملی و ضد دولتی گروه خود فروخته عبدالله عبدالله، عطا محمد نور، محقق، صلاح الدین ربانی، دوستم و دیگران که هم انتخابات، هم آرای مردم، هم حاکمیت ملی و هم قانون اساسی کشور را به سُخره گرفتند در انظار جهانیان به نمایش گذاشتند. در اینجا قابل ذکر میدانم که برای امریکا در امر تحقق ستراتیژی هایش علیه چین، ایران، روسیه و جمهوریت های آسیای میانه بهترین گزینه نیروهای تروریستی میباشد که بوسیله پاکستان تربیه و تجهیز گردیده و علیه این اهداف بکار گرفته میشود که این عملیه در منطقه برای پاکستان زیر نام طالبان ( نیروی آزادی بخش ضد خارجی افغان) میسر و ممکن میباشد که برای افغانستان خصم و در خط مقابل منافع ملی کشور ما قرار دارد.

وزیر خارجه وقت امریکا، پومپئو، خلیزاد و عده از نظامیان امریکایی در تفاهم با پاکستان در این راستا با مشروعیت دهی بین المللی این گروه تروریستی و در حاشیه قرار دادن دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیش رفتند و نقش متحدین بین المللی امریکا را در قبال افغانستان با تزویر دیپلوماتیک درحالت انفعال قرار دادند و با ملاقات های مکرر و متعدد با خود فروختگان داخلی یعنی اجزای گروه عبد الله عبد الله را تا سرحد تهدیدات کودتایی ترغیب کردند و دست پاکستان را در سازماندهی و تشکل مجدد غلام بچگانش غرض مداخله و حملات مسلحانه در کشور ما آزاد گذاشته و چراغ سبز را برایشان نشان دادند و بالأخره در فبروری ۲۰۲۰ در غیاب دولت افغانستان، توافقنامه را با این گروه تروریستی امضا کردند.

اما بنا بر بربرمیت مسئله افغانستان برای ایالات متحده امریکا، موهومیت و نا مشخص بودن ابعاد طرح توافقنامه پومپئو-خلیزاد-طالبان برای اعضای کنگره امریکا، کنگره ایالات متحده امریکا در دسمبر ۲۰۱۹ قبل از امضای این توافقنامه با طالبان گروه مطالعاتی را مؤظف ساخت تا ابعاد این توافقنامه را تثبیت و پیامد های توافقنامه صلح آنکشور با طالبان را در قبال سیاست ها و تعهدات بین المللی ایالات متحده امریکا بررسی کند. این گروه تحقیقاتی بعد از تحقیقات حدود یکساله خویش بالاخره طی گزارشی منافع آنکشور را در جنوب آسیا چنین فورمولبندی کردند:

«ایالات متحده دارای منافع مهم ملی است که تحت تأثیر تحولات افغانستان قرار خواهد گرفت. گروه های تروریستی که همچنان در افغانستان فعال هستند، مانند القاعده و دولت اسلامی خراسان، می توانند سرزمین ایالات متحده را مورد تهدید قرار دهند. حضور مداوم نظامی ما در کنار نیروهای امنیتی افغان در افغانستان، این گروه ها را سرکوب و از حملات آن ها به میهن ما جلوگیری کرده است. خروج کامل نیروهای ما این امکان را به وجود می آورد که این تهدید دوباره ظهور کند. در درازمدت، ایالات متحده باید یک نیروی ضد تروریسم را در افغانستان حفظ و یا اطمینان حاصل کند که راهکارهای تأیید شده دیگری وجود دارد که می تواند از شکل گیری دوباره این گروه ها جلوگیری کند.

اما عقب نشینی غیرمسئولانه نیروهای امریکایی احتمالاً به یک جنگ داخلی جدید در افغانستان منجر خواهد شد و این امر دعوت از احیای نیروهای ضد امریکا است که می‌توانند سرزمین ما را تهدید و روایت پیروزی در برابر قدرتمندترین کشور جهان را فراهم کنند.

... یکی دیگر از منافع کلیدی ایالات متحده مربوط به منطقه کلانتر است. افغانستان باثبات، پتانسیل همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای را ایجاد می‌کند که می‌تواند به نفع همه کشورهای منطقه باشد و آسیای میانه پر انرژی را با جنوب آسیای محروم از انرژی پیوند دهد. به همین ترتیب، یک افغانستان بی‌ثبات از طریق ادامه تجارت غیرقانونی مواد مخدر، جلب ایدئولوژی‌های افراطی و تشدید رقابت بین هند و پاکستان، دو قدرت مسلح با سلاح هسته‌ای، باعث بی‌ثباتی منطقه می‌شود..... کمک‌های غیرنظامی و نظامی ما به دولت افغانستان باید با پشتیبانی از ساختارهای اصلی دولت ادامه یابد؛ اما با شرایطی که در قانون (کشورهای آسیب پذیر از افراط گرایی) که بر پاسخ‌گویی، مشروعیت و بیش‌تر شامل شدن در امر کمک رسانی تأکید دارد و انگیزه دادن برای دولت تا نقش سازنده‌ای در روند صلح داشته باشد. یک نکته قابل تأمل است که هدف از کمک، خیرات نیست، بلکه جلوگیری از فروپاشی دولتی است که سقوط آن برخلاف منافع ما خواهد بود.

... با این حال، از آغاز روند صلح، چشم‌انداز عقب‌نشینی ایالات متحده یک اجماع منطقه‌ای شکننده، اما واقعی در پشت یک افغانستان باثبات و بی طرف که نه پناهگاه تروریست‌ها باشد و نه سرزمین طالبان را ایجاد کرده است. ایالات متحده باید یک استراتژی دیپلماتیک را که به دنبال به دست آوردن اجماع است، اتخاذ کند. از کشورهای منطقه برای استفاده از روابط خود با بازیگران افغان به منظور موفقیت در مذاکره درخواست کمک کند. این ستراتی به کشورهای منطقه اجازه می‌دهد تا بارهای حمایت و حفظ یک افغانستان صلح‌آمیز را به صورت عادلانه‌تری تقسیم و از این روند در چارچوب بین‌المللی مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد میزبانی کنند.»

از اینجاست که وظیفه دستگاه دیپلوماسی کشور مبرمیت حاصل می‌کند، دستگاه دیپلوماسی کشور مشتمل بر وزارت خارجه، نماینده گی های سیاسی کشور در اکناف جهان و تمام رسانه های جمعی اعم از تصویری، صوتی و نوشتاری لازم است تا در گام نخست طرحی جامعی را در قبال روابط کشور ما با کشور های خارجی منجمله همسایگانی که در آن هرکدام تعریف مشخص و معین داشته باشند به منظوری مقامات ذیصلاح رسانده که بر طبق این تعاریف همه ارگانهای اداره دولت و حکومت نقش شان را در قبال این روابط بخوبی درک کنند. همچنان دستگاه دیپلوماسی با هر وسیله ممکن و در دسترس نقش ضد بشری همه گروه های تروریستی و بنیادگرا، بصورت اخص طالبان و داعش را به مردم جهان، پارلمان ها، حکومت و سازمان های بین المللی روشن ساخته و اسناد اثباتیه از محاکم صحرائی سنگسار زنان، ترور های هدفمند نخبه گان، اعضای جامعه مدنی و سایر اعمال تخریبی ضد بشری این گروه های تروریستی را در دید و دسترس همگان قرار دهند. به جهانیان باید اذعان کرد که طالبان با سایر گروه ها و دسته های تروریستی مماثل هیچ فرقی ندارند، آنها تنها بیرق خود را که همه درگداهای سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI انبار شده اند تعویض میکنند و در وحشت، دهشت، ترور، اختناق، بنیاد گرایی و تخریب اذهان مردم هیچ فرقی با هم ندارند و همه از یک مرجع تجهیز، سوق و اداره میگردند.

آنچه در سیاست خارجی کشور ما از اهمیت بسیار فراوان برخوردار است همانا تأمین صلح در افغانستان و منطقه میباشد، هیچگاهی صلح جهانی و منطقوی در موجودیت یک افغانستان جنگ زده و پر آشوب متصور نیست، هیچ کشوری در منطقه از این آشوب درامان بوده نمیتواند، سیاسیون و سردمداران پاکستان، ایران و کشور های آسیای میانه نیز به وضاحت این را میدانند ولی برای اتخاذ و اجرای چنین سیاست به عنابر متخصص، مدبر، ملی و وفادار

به امر مقدس وطن و منافع ملی در ادارات سیاستگذار و اجراییوی نیاز است. دستگاه دیپلوماسی کشور ما در ایجاد و توسعه روابط حسنه با همسایگان خاصاً پاکستان بیشترین توجه را معطوف دارند. گرچه پاکستان تا امروز مناسبات اش با افغانستان را با تهدید مسلحانه، ایجاد دهشت، وحشت و افغان کشی از طریق فرستادن گسیل گروه های تروریستی، حمایت مادی و معنوی ستون پنجم یا حکومت سایه در درون دولت تعریف میکند. اما موقعیت جغرافیایی و جیو ستراتیژیک افغانستان خود بیانگر آنست که اگر عناصر متخصص، مجرب، ملی اندیش و کارا در اداره دولت و دستگاه دیپلوماسی کشور زمام امور را در دست داشته باشند پاکستان ناگزیر خواهد بود تا در عملکرد و نحوه روابط اش با افغانستان بازنگری کند. برای یک دستگاه دیپلوماسی مجرب و کارا این امر بسیار ممکن است تا معادلات منافع جانبین را طوری رقم بزنند که برای طرفین راه جزء شناسایی حق خود ارادیت یکدیگر از طریق ایجاد روابط نیک همسایگی، احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی هر دو کشور وجود نداشته باشد. این کار هم از طریق گفتگو های سودمند توسط هیئت ها و سفرای مدبر، حرفه ای، مجرب، کارشناس و ملی اندیش، هدفمند، نکته سنج و سخن دان میتواند صورت پذیرد و هم از طریق فشار های بین المللی و ارائه اسناد قابل اعتبار از مداخلات مسلحانه، تعلیم، تربیه و تجهیز گروه های تروریستی و گسیل این گروه ها به قلمرو افغانستان به سازمان ملل متحد، پارلمان ها و حکومتات میتواند عملی گردد.



[برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده، بروی عکس کلیک کنید](#)

